

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترجمه و تألیف: بهمن تقی زاده
۰۹ سپتمبر ۲۰۲۲

کشتار کاتین توسط اتحاد شوروی، یکی از دروغ‌های بزرگ میراث گوبلز

(۱)



موج عظیم و مقاومت‌ناپذیری توسط دستگاه رسانه‌ی غرب برای کشاندن جهانیان به جنگی باب طبع سوداگران مرگ به راه افتاده است که بنیادش بر ستراتیژی استاد بزرگشان گوبلز، یعنی دروغ‌های بزرگ، استوار است. آسانژ که بخشی از این دروغ‌های بزرگ را افشا کرده و به همین دلیل به خودش تشنه‌اند، می‌گوید «همه جنگ‌های ۵۰ سال اخیر متکی بر دروغ‌های رسانه‌ی بوده است». اعتراضات گسترده‌ای علیه ارسال اسلحه به اوکراین در کشورهای اروپائی برپا می‌شود که امثال بی‌بی‌سی، که مدعی‌اند رسانه‌ی حرفه‌ی و بی‌طرف هستند، انتشار خبر که هیچ، حتی خطور فکرش را نیز به مغز کارکنانش تحمل نمی‌کند. به همین دلیل بیشتر مجریان برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی و نظایر آن موظفند فقط منادی جنگ و تکرار دروغ‌های دستگاه دروغ‌پراکنی ناتو باشند.

در چنین شرایطی، رسانه‌های وابسته به ناتو از فرصت استفاده کرده‌اند و با آش در هم جوشی از دروغ‌های بزرگ، قدیمی یا جدید، اذهان مردم را بمباران و تیغ مرگ را تیزتر می‌کنند. برای آنها فرصت مناسبی است تا دروغ‌های بزرگ تاریخ جنگ سرد را نیز مرور کنند و به ویژه نشان بدهند که دل خونی از اتحاد شوروی دارند و واژه درس‌آموزی از این الگو یک لحظه رهایشان نمی‌کند. به این صورت است که در تبلیغات‌شان پوتین با ستالین می‌آمیزد،

ستالین با هیتلر و هر سه باهم و با دیگران. عکس معروفی که مسعود بهنود، کارمند کهنه‌کار رسانه‌ی بی‌بی‌سی، در اینستاگرامش گذاشته که هیتلر و ستالین و پوتین (به عنوان کودکشان) را در کنار هم به عنوان «خانواده جنایتکاران تاریخ» ترسیم می‌کند، یک نمونه شاخص است.

متأسفانه قدرت این بمباران رسانه‌ی را تا بیخ گوش‌مان احساس می‌کنیم. درست در چنین شرایطی که برای به درازا کشاندن جنگ همه جور تمهیدی به خرج می‌دهند و تلاش می‌کنند بودجه‌های نظامی و خرید اسلحه کشورها و ارسال آن را به اوکراین را نجومی کنند و جنگ و خونریزی فزاینده و بی‌پایان را ابدی سازند، یکباره پای اتحاد شوروی و ستالین نیز به میان می‌آید و پرونده‌های مشکوک و جعلی بازگشائی می‌شوند. سخن گفتن از پرونده‌های روشن و انکارناپذیری چون هیروشیما و ناکازاکی، کوریا، ویتنام، یوگسلاوی، عراق، افغانستان، سوریه و لیبیا، واقعی همچون راجاک در کوزوو و دروغ‌ها و دروغ‌های بزرگ، که میلیون‌ها نفر را در همین دوران اخیر به کام مرگ برده‌اند، اصلاً جایز نیست، اما باید پرونده‌های کذب چون «کاتین» را که از شاهکارهای گوبلز است بار دیگر به میان کشید.

مروری بر واقعه کاتین نشان می‌دهد که چگونه گوبلز، استاد تبلیغات فاشیسم هیتلری و الگوی محبوب رسانه‌های جنگ سرد و ناتو، از یک دروغ بزرگ چنان جنجالی علیه اتحاد شوروی سازمان داد که هنوز به دلیل بزرگی‌اش و سرمایه‌گذاری گسترده رسانه‌ی تأثیر مخرب خود را بر اذهان باقی می‌گذارد.

عمده مطالب رایجی که درباره کاتین منتشر می‌شوند در نهایت از ویکی‌پدیا استفاده می‌کنند که به هیچ‌وجه منبع معتبری محسوب نمی‌شود و در بهترین حالت درباره مسائل حساس، اطلاعاتی درباره زمینه موضوع در اختیار ما قرار می‌دهد نه بیشتر. بودجه‌های عظیمی که در کار تولید محتوا برای جنگ سرد و اکنون رسانه‌های ناتوی هستند، بی‌شک ویکی‌پدیا را، به عنوان یک منبع مهم و دمدستی مراجعه علاقه مندان به موضوعات مختلف، نادیده نمی‌گیرند و به محتویات حساس آن باید همیشه با تردید و به عنوان یک اطلاع اولیه نگاه کرد نه این‌که آن را سکه نقد گرفت. هیچ محقق جدی ویکی‌پدیا را به عنوان منبع اختیار نمی‌کند مگر آن‌که در بیان مطالب نقل شده از آن اتفاق نظر وجود داشته باشد.

اکنون با استفاده از دو مقاله و کتابی که توسط گروور فور، محقق امریکائی تاریخ شوروی، تدوین شده است، به مرور ماجرای کشتار کاتین می‌پردازیم.

ماجرای کشتار کاتین

در اپریل ۱۹۴۳ مقامات المان نازی، دستگاه تبلیغاتی گوبلز، ادعا کردند که هزاران جسد از افسران و اسرای جنگی پولند، که مأموران شوروی آنها را در سال ۱۹۴۰ کشته‌اند، در جنگل کاتین نزدیک اسمولنسک (واقع در غرب روسیه)، که در این لحظه (اپریل ۱۹۴۳) تحت اشغال المان بود، کشف کرده‌اند. دو ماه قبل، در فبروری ۱۹۴۳، اتحاد شوروی پیروزی بزرگی بر لشکریان نازی در ستالینگراد^۲ به دست آورده بود. دیگر برای همه آشکار بود که اگر اتفاقی موجب به هم خوردن وحدت متفقین نشود، المان لاجرم جنگ را خواهد باخت. دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها به رهبری ژوزف گوبلز، کارزار عظیمی درباره این کشف ادعائی به راه انداختند که واضح بود هدف آن ارائه بهانه و محرکی برای ایجاد شکاف میان متحدان غربی و اتحاد شوروی است. اتحاد شوروی به شدت اتهام المان‌ها را رد کرد و به خاطر همکاری دولت در تبعید به شدت ضدکمونیست و ضدروس پولند مستقر در لندن با المان‌ها در این زمینه، روابط دیپلماتیک خود را با آن گسست.

در سپتامبر ۱۹۴۳ ارتش سرخ المان‌ها را از این ناحیه بیرون کرد و در ۱۹۴۴ کمیسیون بوردنکووی شوروی ضمن نبش قبرها و بررسی اجساد و بقایای آنها گزارشی منتشر کرد که المان‌ها را مسؤل کشتار گسترده پلندی‌ها اعلام می‌کرد.

در جریان جنگ و چند سال پس از آن، متحدان غربی اتحاد شوروی، المان را در این واقعه گناهکار می‌دانستند. دادگاه نورنبرگ نیز در رابطه با کاتین انگشت اتهام را به سمت نیروهای هیتلر گرفت.

اما با آغاز جنگ سرد (از ۱۹۴۷ یعنی آغاز دکترین ترومن تا فروپاشی شوروی) وضع عوض شد و غرب به این طعمه چنگ انداخت. در سال ۱۹۵۲ کنگره امریکا کمیسیون مدن را تشکیل داد که شوروی‌ها را متهم شناخت. این وضع، یعنی اتهام غرب و ضدکمونیست‌های پلندی به شوروی و متقابلاً مقصر دانستن المان‌ها از سوی شوروی، تا آخرین سال‌های وجود اتحاد شوروی ادامه داشت.

با روی کار آمدن خروشچف، دروغ‌پردازی درباره حوادث دوران ستالین و خود ستالین ابعاد شگفت‌انگیزی گرفت و همراه با آن پرونده ماجراهای دوران ستالین حتی برای محققان محرمانه شدند، روالی که تا دوران گوربچف و بعد از آن تا پلنسن و بعد تا امروز، یعنی دوران پوتین، ادامه یافت. خصومت با ستالین فقط از سوی غرب ابراز نمی‌شد، بلکه در درون خود شوروی نیز حضور داشت که با سخنرانی خروشچف در کنگره بیستم به جایگاه رهبری نیز راه یافت و هیچ‌گاه آن را ترک نکرد.

در ۲۲ مارچ ۱۹۸۹، وزیر خارجه، ادوارد شوارندادزه، والننتین فالین، رئیس اداره بین‌المللی حزب و ولادیمیر کریوچکوف، رئیس کاگب، طی یادداشتی به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به رهبری شوروی اصرار کردند که گناه شوروی، و در واقع ستالین، را در زمینه کشتار کاتین بپذیرد.

اما اکنون معلوم شده است که آنها هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر گناهکار بودن شوروی در اختیار نداشتند. هیچ‌گونه شواهدی غیر از اسناد موجود در «بسته سری شماره ۱»، که گناه شوروی‌ها را بدون تردید نشان می‌داد، اسنادی که گوربچف خود مدعی شد تا روزهای پایانی حکومت شوروی، یعنی تا مقطعی در سال ۱۹۹۱، از این اسناد اطلاعی نداشتند.

در ۱۳ اپریل ۱۹۹۰، گوربچف رهبر شوروی فهرست اسرای جنگی پلندی را که در جنگ دوم جهانی از سه اردوگاه کوزلسک، اوستاشکوف و استاروبلسک منتقل شده بودند به یاروزلسکی رئیس جمهور پلند داد. اما در هیچ‌یک از این اسناد چیزی درباره قتل اسرای جنگی پلندی مطرح نشده بود.

در ۱۴ اکتوبر ۱۹۹۲، دولت روسیه محتویات «بسته سری شماره ۱» را منتشر کرد، اسنادی که مدعی ثبت تصمیمات پولیت‌بوروی شوروی مبنی بر اعدام زندانیان پلندی هستند. اگر این اسناد اصالت داشتند و جعلی نبودند گناه شوروی در این زمینه بدون تردید اثبات شده بود. از آن زمان، این روایت «کار شوروی‌ها بود» کاتین، یا «روایت رسمی» تنها روایتی است که در گفتمان آکادمیک و عمومی تحمل می‌شود.

در سال ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ سه عضو سالخورده کمیساریای خلق برای امور داخلی (ان‌کود یا وزارت کشور اتحاد شوروی) را شناسائی و با آنها مصاحبه کردند. آنها ادعا کردند که از اعدام پلندی‌ها در اپریل و مه ۱۹۴۰ اطلاع داشته‌اند، اما هیچ‌یک از این اعدام‌ها در جنگل کاتین، محل نبش قبر از سوی المانی‌ها، روی نداده است.

در ۱۹۹۲ بوریس پلنسن اسناد مذکور («بسته سری شماره ۱») را به حکومت پلند تحویل داد، اسنادی که از قرار معلوم توسط ستالین و دیگر اعضای پولیت‌بورو امضاء شده بودند. از آن هنگام، این بسته به «روایت رسمی» یا «روایت جنایت شوروی‌ها در کاتین» تبدیل شده است.

از ۱۹۹۲ تا امروز تحولاتی درباره ماجرای کاتین روی داده و شواهدی در این باره به دست آمده‌اند که همه آنها انگشت اتهام را به سمت المان‌ها می‌گیرند نه شوروی‌ها. این شواهد را در ادامه مرور می‌کنیم.

- در سال ۱۹۹۴ معلوم شد که دکتر فرنک اورسوس، فردی که از سوی المان‌ها به ریاست تیم بین‌المللی کارشناسان پزشکی قانونی برای بررسی کاتین منصوب شده بود، یک طرفدار المان، فاشیست بلاتردید و ضدیهود بوده است. همین فرد در مقابل کمیسیون مدن کنگره امریکا شهادت داده بود. کمیسیون مزبور به تعصب طرفداری او از فاشیسم نازی هیچ‌گونه توجهی نکرده بود.

- در دسامبر ۲۰۰۶ ترجمه روسی کتاب «شواهد کاتین» نوشته فرانسیسک هاجک منتشر شد که برای اولین بار به زبان چک در ۱۹۴۶ در پراگ، پیش از آن‌که کمونیست‌ها حکومت را به کنترل خود درآوردند، چاپ شده بود. او یکی از کارشناسانی است که توسط المان‌ها به کاتین برده شده بودند. او در کتابش شدیداً گزارش المان‌ها را محکوم می‌کند و مصرانه معتقد است که این المان‌ها، و نه شوروی‌ها، بودند که پولندی‌ها را کشتند. او این نظر خود را در مقابل دادگاه نورنبرگ تأیید کرد. او در مقاله دیگری که در ۱۲ مارچ ۱۹۵۲ در *پراودا* منتشر شد گزارش المان‌ها را محکوم کرد.

- در ۲۷ مه ۲۰۱۰ والننن ساخارف، یکی از پروفسورهای دانشگاه دولتی مسکو، در مقاله‌اش تحت عنوان «اسناد المان درباره نیش قبر و شناسایی قربانیان کاتین (۱۹۴۳)» از یک سند آرشیوی نقل قول می‌کند. این نقل‌قول از گزارش مؤرخ ۱۹۴۳ پارتیزان‌های شوروی در ناحیه اسمولنسک گرفته شده است که پارتیزان‌ها در آن به طور گذرا اعلام می‌کنند که المان‌ها مشغول جعل شواهدی در کاتین هستند. زمانی که گزارش پارتیزان‌ها نوشته می‌شد هنوز گزارش المان‌ها مطرح نشده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست که کاتین به رویداد و مکان مشهوری تبدیل خواهد شد.

- در اکتوبر ۲۰۱۰ ویکتور ایلیوخین، یکی از اعضای دوما، اعلام می‌کند که اسنادی که به نظر می‌آید جعلیات اولیه اسناد «بسته سرّی شماره ۱» هستند، همراه با مهرهای رسمی توسط یکی از جاعلان آنها به او داده شده بوده است. این مدارک به ناگزیر پرده تردید بر اصالت «بسته سرّی شماره ۱» می‌اندازند.

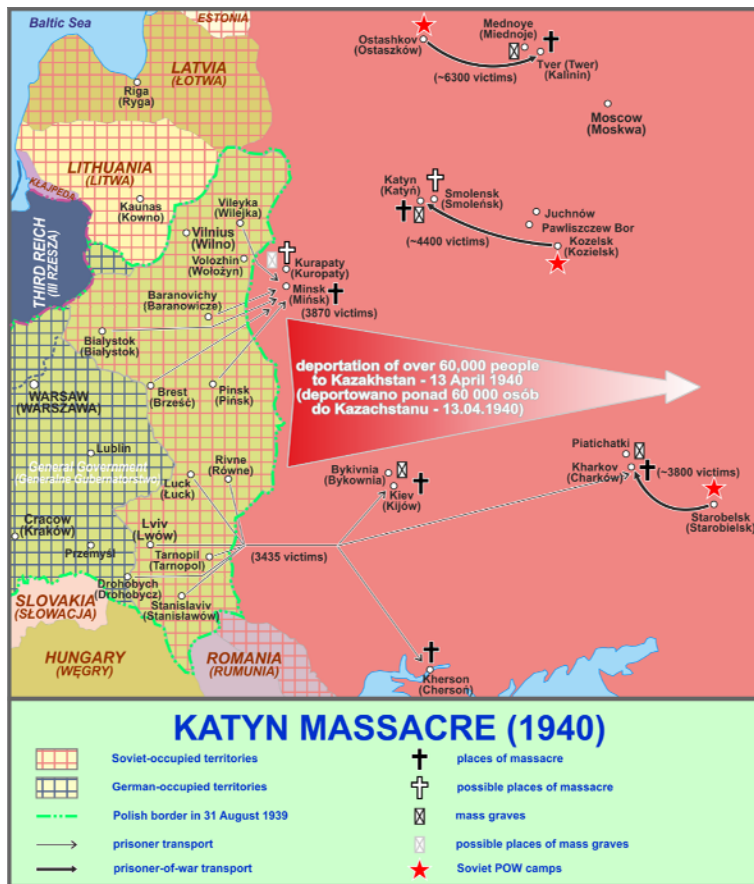
افشاگری‌های ایلیوخین را محققان جریان اصلی نادیده گرفتند. درک این‌که چرا، ساده است. اگر اسناد «بسته سرّی شماره ۱» را اصیل فرض کنیم، در آن صورت در گناه شوروی در کاتین به سختی می‌توان شک کرد. به همین ترتیب، اگر آنها را ساختگی فرض کنیم، در آن صورت هیچ‌گونه شواهدی حاکی از مقصر بودن شوروی وجود نخواهد داشت. بنابراین هر گونه تلاش صادقانه برای تحقیق درباره کشتار کاتین باید آنها را کنار بگذارد و به کمک شواهدی که اصالت آنها محل تردید نباشد طرف گناهکار را مشخص کند.

- در ۶ جون ۲۰۱۱، سرگی رومانوف اسکنی با کیفیت از ۱۲۱ سند منتشر کرد که نشان می‌دهند بسیاری از افرادی که طبق ادعای المان‌ها در ۱۹۴۰ توسط شوروی‌ها کشته شده‌اند، در واقع بسیار پس از بهار ۱۹۴۰، یعنی هنگامی که طبق «روایت رسمی» باید اعدام شده باشند، زنده بوده‌اند. بسیاری از این افراد نه پولندی، بلکه اوکرائینی بوده‌اند. این نکته بسیار جالب توجه است که فردی چون رومانوف، یکی از حامیان پروپاقرص «روایت رسمی» کاتین، این اسناد را منتشر کرده است، زیرا آن‌ها این ادعا را که این افراد «قربانیان کاتین» بوده‌اند رد می‌کند.

- در ۲۰۰۷-۲۰۱۱ مقاله آلکسی پامیانیک، که او نیز از حامیان پروپاقرص «روایت رسمی» کاتین است، تحت عنوان «از اسناد منتشر نشده کمیسیون بوردنکو»، شواهد دیگری ارائه می‌دهد حاکی از این‌که ادعاهای ساختگی بودن گزارش کمیسیون بوردنکو و جاگذاری مدارک در گور اعدام شدگان از سوی آن، نادرست است. این شواهد سیاهه

مدارکی هستند که محققان کمیسیون بوردنکو در اواخر ۱۹۴۳ و جنوری ۱۹۴۴ از اجساد قربانیان کاتین به دست آورده بودند. این اسناد وجود اردوگاه شماره ۱، یکی از سه اردوگاهی که طبق گزارش شوروی‌ها، اسیران پولندی در آنها مشغول کار جاده‌سازی بودند، تأیید می‌کند. گروور فور نام ناخوانای روی یکی از اسناد را که کمیسیون بوردنکو نتوانسته بود آن را تشخیص بدهد شناسائی می‌کند و معلوم می‌شود که وی، پرزمیسلاو، فرزند بولسلاو کوزیتولسکی، یکی از زندانیان اردوگاه اوستاشکوف بوده است که همراه با زندانیان دیگر از این اردوگاه به کالینین منتقل می‌شود. اما جسد او در کاتین پیدا می‌شود. این حقیقت با «روایت رسمی» تناقض دارد که طبق آن کلیه زندانیان پولندی در شهرها یا نزدیک به شهرهایی اعدام شده‌اند که از اردوگاه‌هایشان به آنها انتقال یافته بودند.

• در ۲۵ مه ۲۰۱۱ اعلام شد که نشان پولیس پولندی، ژوزف کولیگوسکی، در محلی واقع در وولودیمیر-وولینسکی در اوکراین، در محل یک گور دسته‌جمعی که به وسیله آلمان‌ها کشتار شده بودند، به دست آمده است. کولیگوسکی از زندانیان اردوگاه اوستاشکوف بود. او در ۱۳ اپریل ۱۹۴۰ همراه با دیگر اسرای پولندی به کالینین منتقل شد. پلاک یادبود کولیگوسکی در بنای یادبود مدنو در نزدیکی تهور (سابقاً کالینین) نصب شده و نامش توسط دولت پولند در «کتاب گورستان مدنو» منتشر شده است. اما نشان- و از قرار معلوم پیکرش- در وولودیمیر-وولینسکی در اوکراین، دست‌کم در ۱۲۰۰ کیلومتری کالینین (تهور) و در گوری دسته‌جمعی از قربانیان نازی‌ها دفن شده است.



فرض محوری «روایت رسمی» کاتین این است که زندانیان پولندی را در بهار ۱۹۴۰ از اردوگاه‌های زندانیان جنگ - کوزلسک، اوستاشکوف و استاروبلسک- به اداره‌کمیساریای خلق در امور داخلی (انکود) نزدیکترین شهر- اسمولنسک، کالینین (تهور) و خارکیف- منتقل، در آنجا اعدام کرده و به ترتیب در کاتین، مدنو و پیاتیخاتکی دفن

کرده‌اند. کشف نشان‌های زندانیان اردوگاه اوستاشکوف، یعنی کولیگوسکی و مالوویسکی، در ولودیمیر- وولینسکی واقع در اوکراین، در گور جمعی قربانیان کشتار المان‌ها در ۱۹۴۱، قویاً نشان‌دهنده کذب بودن این فرضیه است. ولودیمیر- وولینسکی نزدیک به ۱۲۰۰ کیلومتر با کوزلسک، ۱۴۰۰ کیلومتر از استاروبلسک و ۱۱۵۰ کیلومتر از اوستاشکوف فاصله دارد (این نقشه از ویکی‌پدیا و منابع طرفدار «روایت رسمی» گرفته شده است). (در نقشه فوق، ولودیمیر- وولینسکی تقریباً در نزدیکی شهر لوتسک قرار دارد).

• در ۵ سپتامبر ۲۰۱۱ اعلام شد که نشان لودویگ مالوویسکی، پولیس پولندی، نیز که از زندانیان اوستاشکوف بود در محل ولودیمیر- وولینسکی کشف شده است. او نیز در اپریل ۱۹۴۰ به کالینین منتقل شده بود. پلاک یادبود او نیز نظیر ژوزف کولیگوسکی در محل یادبود مدنو نصب و نام او نیز نظیر ژوزف کولیگوسکی در «کتاب گورستان مدنو» درج شده است.

ادامه دارد